



تلیم خان ساوهای

● علی کمالی

تلیم خان، فرزند تیمورخان، فرزند قراخان، در اوسط دوران زندیه، در قریه مراغه بخش نوبران ساوه در خانواده‌ای روستایی چشم به جهان گشود. دوران کودکی و نوجوانی او در همان روستا سپری گردید. در مکتبخانه خواندن و نوشتن آموخت و با متون فارسی و عربی و ترکی آشنا شد. تلیم خان فراز و نشیبهای بسیاری را در زندگی به چشم دید. خود در این باره می‌گوید:

گو(و)لومون آینه‌سی دوتدو غباری
بولا شدیم محته اولمادیم عاری
ارغوان رنگیمی، انیلدیم (تاری) ساری
بجردیم گول آخار زعفران اولدو

gulumun aynaşı dutdu obar
bulaş'dım mehnata olmadır ari
arqavan rangimi eylodım sari
bejardım gul axar zafaran oldu

آینه قلب مرا غبار گرفته است
آغشته اندوهم و توان جدایی از آن نیست
رنگم به زردی گراییده است
بلر گل سرخ افشانده بودم و حاصل، گل
زعفران شد.

کج‌باز اولدو دوغرو یولا گتمه‌دی
دادا تیلدیم، فریادیمه یتمه‌دی
اول گوندن دتدیگیمی دوتمه‌دی
چرخ فلک بیزیمن یان اولدو

Kajbaz oldu doqru yola getmadi
dad eyladım faryadima yetmadi
avval gundan dedigimi dutmadi
çarxe falak bizimınan yad oldu

کج‌باز شد و به همراهی‌ام برنخواست
هر چه فریاد کردم اعتنایی به من نکرد
صدای مرا نشنید

آری، چرخ فلک با من راه نیامد.
چوخ سیزیلاویارالاریم دوزیودیر
ریانیله پردودوران ایگی اوزلودیر
درد دلیم اوره گیمده گیزیلیدیر
سردنمه‌که نه بیر مسلمان اولدو

Çox sizillar yaralarım duzludur

riyaidir dovran iki uzlidiy
dardi delim uragimda gizlidir
sirr demaga na bir musulman oldu

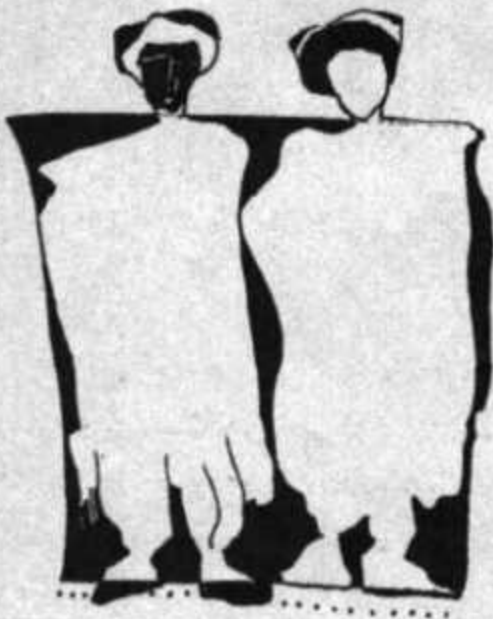
نمک پاشیده‌اند بر زخمهای ناسورم
روزگار، روزگار ریب و ریاست
غمهایم را در دلم پنهان کرده‌ام
وقتی که مسلمانی برای شنیدن رازهایم نیست.

مردم، تلیم خان را «بیگی» و در مکاتبات «عالی‌شان» می‌خواندند؛ چراکه کلمه خان به دنبال نام تلیم آمده و جزو نام او به شمار می‌آمد.

روایت و افسانه‌ها

آغاز زندگی شاعرانه تلیم خان طبق روایات معمرین قریه مراغه به همان اوان سنین نوجوانی وی بازمی‌گردد. تلیم خان در آینه باورهای مردمی شخصیتی کاملاً روحانی است که مورد عنایت حق تعالی و ائمه اطهار علیهم‌السلام واقع شده است. آشنایان به سر و سرودهای بومی، تلیم را در این خصوصیت هم‌ردیف بزرگان چون امیر یازواری و شرف‌شاه گیلانی می‌نمایند. می‌گویند روزی در حالی که از فرط خستگی به روی تخته سنگی که امروزه به نام «تخت تلیم خان» مشهور است، به خواب عمیقی فرو رفته بود، در عالم رؤیا دوازده سید نورانی را که همگی عمامه و شال سبز بر سر و کمر داشتند در بالای سر خود ایستاده می‌بیند. تلیم خان به خیال اینکه آن دوازده سید نورانی از سادات قریه خلیفه‌کندی - یکی از دهات مجاور مراغه - می‌باشند و برای جمع‌آوری خمس، به هنگام برداشت محصول، به طور دسته‌جمعی به روستاهای اطراف سفر می‌کنند، از چند و چون مسافرت و گشت و گذار آنان سوال می‌کند. یکی از آن سادات جلیل‌القدر کاسه‌ای به دست تلیم خان می‌دهد و به او امر می‌کند که آنچه در آن است را بنوشد، تلیم خان به محض نوشیدن آن، حلول روحانیتی خاص

بومی سرود



را در خود احساس می‌کند و در همین حال متوجه می‌شود آن سادات که قصد حرکت داشته از سادات خلیفه‌کندی نیستند و دوازده امام برگزیده و معصوم می‌باشند. تلیم خان پس از این شهود روحانی سعی می‌کند که دست به رکاب آقا علی بن ابی طالب (ع) برساند؛ اما به او خطاب می‌شود: «تلیم خان! تازیانه‌ای را که روی زمین افتاده بردار و به آقا بده.» تلیم خان به محض سربرگرداندن و جستجوی تازیانه متوجه می‌شود که دوازده امام آنجا را ترک کرده‌اند. او وقتی از خواب برمی‌خیزد، دگرگونی و ذوق و قریحه‌ای غریب را در خود احساس می‌کند.

در اوان شاعری، تلیم خان به عشق «مهری» - دختر بزرگ محمدرضا خان ترکمن مراغه‌ای - دچار می‌شود. دیری نمی‌گذرد که یکی از سرداران عهد زندیه مجذوب زیبایی دختر شده و او را به عقد خود درمی‌آورد. شاعر، سرخورده از اولین و آخرین عشق خود بیش از پیش به عالم شعر پناه می‌برد:

گوزوم اغلار منم اولوب نملره
قره باغریم گداز اولوب غملره
پروانه تک ایستر یانا شملره
یاندی باغریم مثل تلمیخان اولدو

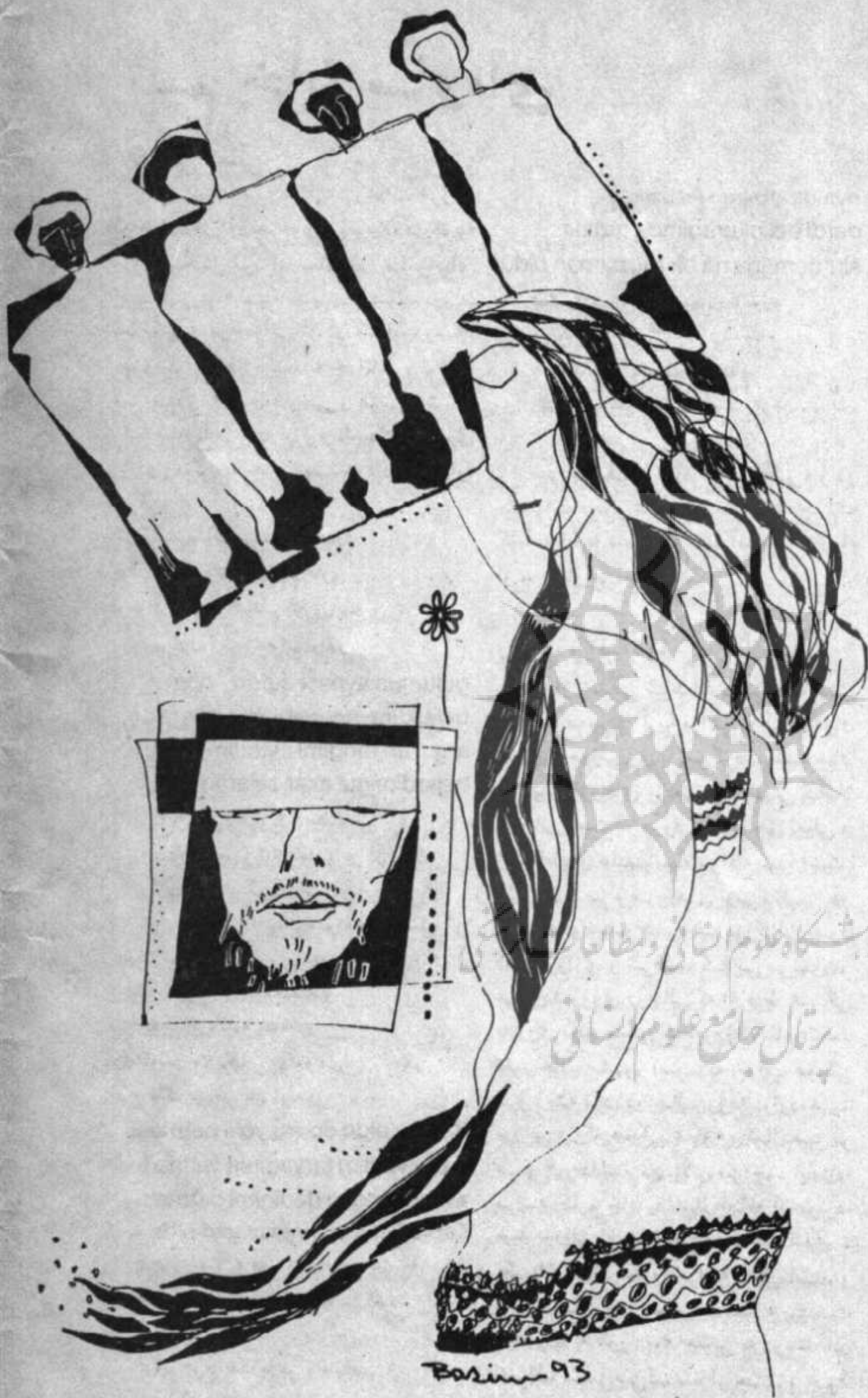
gozum aqlar munim olub namlara
qara baqrim gudaz olub qamlara
parvana tak istar yana şamlara
yandı baqrim masal tilim xan adu

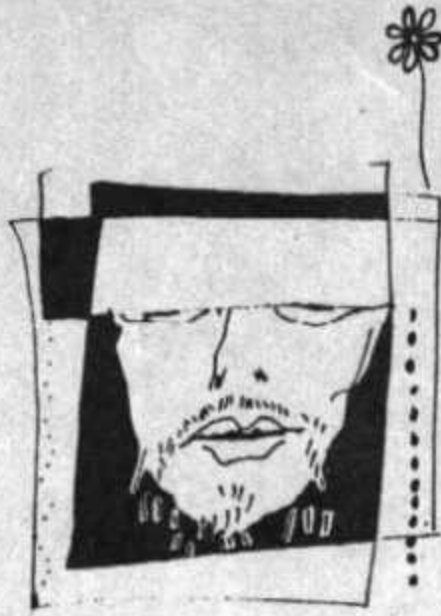
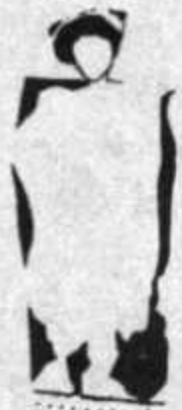
قطره قطره اشک می‌چکد از چشمهای گریانم
 قلمم گداخته شم است
 و می‌خواهد چون پروانه‌ای خود را به آتش
 بسپارد
 و سوخت و سیاه چون تلیم‌شان شود.

قالبا و مضامین:

پس از قریب سی سال تحقیق و
 گردآوری بیست هزار برگ از نسخه‌های
 مختلف، در حدود هزار قطعه شعر از تلیم
 خان به دست آمده که نشان می‌دهد این
 شاعر، بیش از هر چیز به مضامین مذهبی
 چون حمد و ثنای حضرت باری و ستایش
 و نعت رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار
 پرداخته است. او همچنین گاه پند و
 اندرزهایی حکیمانه را چاشنی اشعار خود
 ساخته و گاه از عشق سخن گفته است. تلیم
 خان در استفاده از صنعت جناس پد
 طولایی داشته است و در حدود پانزده هزار
 جناس در اشعار او به چشم می‌خورد.

اشعار عاشقانه او بیشتر در قالب پنج
 بند بوده که در زبان ترکی به «بش بند»
 معروف است. پنج بند شامل ده بیت است
 که هر دو بیت را یک بند می‌نامند. این
 اشعار در بحر هزج مسدس مقصور (مفاعیل
 مفاعیل مفاعیل) سروده شده‌اند. «گرایلی»
 یکی دیگر از قالبهای شعری مورد استفاده
 اوست که در همین قالب سروده شده‌اند.
 این شاعر به قالبهایی چون مخمس، مسدس
 و مسبع عنایت خاصی داشته است. تعدادی
 از این اشعار که در نوع خود کم‌نظیر
 است، «۲۹ حروف» نامیده می‌شوند. بدین
 ترتیب که در این اشعار که اکثراً در مدح
 حضرت علی (ع) سروده شده‌اند، ۲۹
 حرف الفبا را آورده و به مناسبت هر حرفی،
 یکی از اوصاف آن حضرت را برشمرده
 است. بیشتر این اشعار در قالب «مستزاد» یا
 «جیغالی تجنیس» است. وجه تسمیه
 جیغالی تجنیس از این قرار است که ابتدا
 یک یا دو بیت کامل آمده و سپس چهار الی
 ده یا بیشتر بیت مستزاد به آن اضافه می‌شود
 که در پی آن شکل تاج یا دستار جغه‌دار





ایلهرم فریادی قویمام

lāla tak çixmišām dāqā
ugādān endim āššāqā
qadamin bāssān uzāqā
elaram faryādi qoymām

گرچه کوشنیم چون لاله‌ها
از اوج به زیر خواهم آمد
اگر قدمی دورتر بگذاری
و فریادکنان نخواهم گذاشت.

دو هلالی مشق جنون آیاسی
ابرکیمی نباتاتین دا(یا)یه،سی
هیچ گزرونمز خسته دیلر ضیاسی
طلوع اتسین کوبک دان گزرونسون

do helāle mašqa ĩunun āyāsi
abir kimi nabātātin dāyāsi
heç gōrūnmaz xastadillar ziyāsi
tulu etsin kovkavidān gōrūnsūn

دو هلالش مشق آیه جنون
هستی اش چون دایه نباتات، ابر
آن روشنی بخش دلخستگان دیده نمی شود

هرگز

ای کاش ستاره سحری طلوع کند دیگر بار.

نشین گلمز ماه و شیم تاوری؟

مات ایله به اول خورشید خاوری

گو لوستانلار، باغ (و) بستان زوری

قدی رعنا سرو روان گزرونسون

našin galmaz māhvasim tāvari
māt eyliya o xoršide xāvāri
gūlūstānlār bāq o bostān zivari
qaddi ranā sarve ravān gōrūnsūn

چرا شتابان نمی آید آن ماهوش

تا خورشید خاور را حیران کند

می خواهم آن زور باغ و بستان

آن سرو روان دیده شود دیگر بار.

جان فدا سنین تک صاحب ادراک

نالام یتدی حسرتیندن افلاک

تلیم تک خسته دل گو(و)لو غمناکه

سنین تکی بیر مهربان گزرونسون

ĩan Fadā sanin tak sāhaoe idrākā
nālam yetdi hasratindan aflākā
tilim tak xasta del gövlū qamnākā
sanin taki bir mehrabān gōrūnsūn

جانم فدای چون تو صاحب ادراک

که نالام از حسرت به افلاک رفته است

بر تلیمی شکسته دل و غمناک

مهربانی چون تو باید که به بالین آید.

پدیدار می شود. این شعرها به سبب شباهت
صوری با دستار جغه دار «جیغالی تجنیس»
خوانده می شوند.

در خواندن اشعار تلیم خان معمولاً از
آهنگهای موسیقی ترکی نظیر: گرایلی، شاه
حتیایی، مزلفانی، خرقانی، همدانی،
شاهسونی، چزایی، گلگو و عثمانی استفاده
می شود.

تلیم خان معاصر دو شاعر بزرگ
ادبیات ترک؛ مختومقلی و واقف (شاعر
بزرگ قره باغ آذربایجان) بوده و شعرهایی به
استقبال از اشعار این دو شاعر بزرگ سروده
است. او به سال ۱۲۴۶ هجری قمری در
قریه مراغه به رحمت ایزدی پیوست و
آرامگاهش در قبرستان عمومی روستا،
بالای تپه و در شمال خانه های روستایی
قرار دارد. در سالهای ۶۹، ۷۰ و ۷۱ به
طور متوالی کنگره های برای بزرگداشت این
شاعر بومی سرا در زادگاه وی برگزار شد.

قامتین کیمی نخل اولسا؟

هیچ سرو آزادی قویمام

نه حددی وار منلیق اتسین

اول قدی شمشادی قویمام

qāmatin kimi naxl olsā

heç sarve āzādi qoymām

na haddi vār monlig etsin

ol qaddi šimšādi qoymam

اگر نخل قامت از آن من باشد

به هیچ سرو آزادی رخصت خودنمایی

نخواهم داد

نه سرو آزاد

و نه هیچ قد شمشاد گونه ای.

لاله تک چیخیمش داغا

اوجادان ایندیم آشاقا

قدمین باس سان اوزاقا